843 ـ ملائکه کیستند؟

سوال

ملائکه چه کسانی هستند؟ کارهایشان و ظاهرشان چگونه است؟ تعدادشان و نام‌هایشان چیست؟ کی آفریده شده‌اند؟ از چه آفریده شده‌اند؟ بزرگترین ملائکه کیست؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

ایمان به ملائکه از ارکان ایمان است

ایمان به ملائکه یکی از شش رکن ایمان است که ایمان بدون آن سامان نمی‌یابد، و کسی که به یکی از این ارکان ایمان نیاورد مؤمن نیست. این شش رکن: ایمان به الله و ملائکه‌اش و کتاب‌هایش و پیامبرانش و آخرت و ایمان به قدر ـ خیر و شر آن ـ است.

ملائکه کیستند؟

ملائکه از عالم غیب هستند که ما این عالم را درک نمی‌کنیم و الله در کتابش و بر زبان پیامبرش محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ دربارۀ آنان اخبار بسیاری را به ما رسانده است. این برخی از دانسته‌های صحیح و اخبار اثبات شدۀ وارده دربارۀ آنان است. امید که شما بانوی گرامی به این مسئله چنانکه شایستۀ آن است توجه نمایید و به عظمت خالق سبحانه و تعالی و عظمت این دین که اخبار ملائکه را به ما رسانده پی ببرید.

ملائکه از چه آفریده شده‌اند؟

الله، ملائکه را از نور آفریده، چنانکه عایشه ـ رضی الله عنها ـ می‌فرماید: رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «ملائکه از نور آفریده شده‌اند و جنیان از شعله‌ای از آتش و آدم از همان چیزی خلق شده که برای شما وصف شده است» به روایت مسلم به شمارۀ (۲۹۹۶).

ملائکه کی آفریده شده‌اند؟

ما به طور دقیق وقت خلقت آنان را نمی‌دانیم زیرا در این باره نصی وارد نشده است، اما یقیناً آنان پیش از انسان‌ها آفریده شده‌اند، به نص قرآن که:

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً [بقره: ۳۰]

(و چون پروردگار تو به ملائکه گفت: من در زمین جانشینی خواهم نشاند).

الله متعال آنان را از ارادهٔ خود برای خلقت انسان آگاه ساخت و این نشان می‌دهد که آنان پیش از انسان وجود داشته‌اند.

عظمت خلقت ملائکه

الله متعال دربارهٔ ملائکه دوزخ می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ [تحریم: ۶]

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و خانواده‌تان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگهاست حفظ کنید؛ بر آن [آتش] ملائکه‌ای خشن [و] سختگیر [گمارده شده]اند که از آنچه الله به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مامورند انجام می‌دهند).

بزرگترین ملائکه به طور مطلق، جبرئیل ـ علیه السلام ـ است، و از جملهٔ آنچه در توصیف او آمده این حدیث است:

از عبدالله بن مسعود ـ رضی الله عنه ـ روایت است که گفت: رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ جبرئیل را در صورت [واقعی‌اش] دید که ششصد بال داشت، هر بال از آنها افق را پوشانده بود و از بالش رنگ‌های گوناگونی از مروارید و یاقوت می‌ریخت که الله به آن آگاه است». به روایت احمد در مسند. ابن کثیر در البدایة والنهایة می‌گوید: سند آن جید است.

و رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ در وصف جبرئیل می‌فرمایند: «او را در حال نزول از آسمان دیدم که خلقت عظیمش مابین آسمان و زمین را گرفته بود» به روایت مسلم به شمارهٔ (۱۷۷).

از دیگر ملائکه بزرگ همچنین، ملائکهٔ حامل عرش هستند که از جملهٔ آنچه در وصف آنان آمده چنین است: از جابر بن عبدالله از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ روایت است که فرمود: «به من اجازه داده شده تا دربارهٔ مَلَکی از ملائکهٔ الله از حاملان عرش سخن گویم که ما بین نرمهٔ گوش او تا شانه‌اش مسیر هفتصد سال است». (سنن أبي داود، کتاب السنة، باب

في الجهمية).

صفات ملائکه

آنان بال دارند

الله تعالی می‌فرماید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَّثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ [فاطر: ۱]

(سپاس الله را که پدید آورندهٔ آسمان و زمین است [و] ملائکه را که دارای بالهای دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه‌اند پیام آورنده قرار داده است؛ در آفرینش هر چه بخواهد می‌افزاید زیرا الله بر هر چیزی تواناست).

زیبایی ملائکه

الله تعالی در توصیف جبرئیل ـ علیه السلام ـ می‌فرماید:

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى * ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى [نجم: ۵-۶]

(آن را [ملائکه‌ای] شید القوی به او آموخت * نیرومند [نیکو خلقتی] که [مسلط] در ایستاد).

ابن عباس می‌فرماید: {ذُو مِرَّة} یعنی: دارای ظاهر نیکو، و قتاده می‌گوید: با خلقتی بلند قامت و زیبا.

و نزد همهٔ مردم این جا افتاده و مقرر است که ملائکه را زیبا توصیف می‌کنند، برای همین انسانی را که زیباست به ملائکه تشبیه می‌کنند، چنانکه آن زنان دربارهٔ یوسف صدیق گفتند:

فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلاَّ مَلَكٌ كَرِيمٌ [یوسف: ۳۱]

(پس چون او را دیدند وی را پس شگرف یافتند و [از شدت محو شدن در زیبایی‌اش] دست‌های خود را بریدند و گفتند: منزه است الله، این بشر نیست، این جز مَلَکی بزرگوار نیست).

تفاوت ملائکه در خلقت و منزلت

ملائکه در آفرینش و جایگاهی که دارند در یک مرتبه نیستند، بلکه متفاوتند، چنانکه در فضیلت نیز در یک سطح نیستند، و برترین آنها ملائکه‌ای هستند که در بدر حاضر بودند، چنانکه در حدیث مُعاذ بن رِفاعه بن رافع زُرَقی از پدرش که اهل بدر بود

آمده که فرمود: «جبرئیل به نزد پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ آمد و ایشان ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: شما اهل بدر را نزد خودتان چه می‌شمارید؟ گفت: از بهترین مسلمانان، یا سخنی شبیه به آن، سپس فرمود: و همینطور ملائکه‌ای که در بدر حضور داشتند» به روایت بخاری (۳۹۹۲).

ملائکه نمی‌خورند و نمی‌نوشند

داستانی که میان خلیل الرحمن، ابراهیم و مهمانانش که از ملائکه بودند رخ داد دال بر این است. الله تعالی می‌فرماید:

فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاء بِعِجْلٍ سَمِينٍ * فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ * فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ [ذاریات: ۲۶-۲۸]

(پس آهسته به سوی زنش رفت و گوساله‌ای فربه [و بریان] آورد * آن را به نزدیکشان برد [و] گفت مگر نمی‌خورید؟ * و [چون دید چیزی نمی‌خورند در دلش] از آنان احساس ترسی کرد. گفتند: مترس و او را به پسری دانا مژده دادند).

و در آیهٔ دیگر:

فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيَهُمْ لاَ تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُواْ لاَ تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ [هود: ۷۰]

(و چون دید دستهایشان به غذا دراز نمی‌شود آنان را ناشناس یافت و از ایشان ترسی بر دل گرفت. گفتند: مترس، ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم).

آنان از ذکر الله و عبادتش نه دچار ملال می‌شوند و نه خستگی. حق تعالی می‌فرماید:

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ [انبیاء: ۲۰]

(شبانه‌روز بی‌آنکه سستی ورزند تسبیح می‌گویند)،

و می‌فرماید:

فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ [فصلت: ۳۸]

(پس اگر تکبر ورزیدند کسانی که در پیشگاه پروردگار تو هستند شبانه‌روز تسبیح او را می‌گویند و خسته نمی‌شوند).

تعداد ملائکه

ملائکه آفریدگانی بسیار پرشمارند که جز الله کسی تعدادشان را نمی‌داند. پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در وصف بیت المعمور در آسمان هفتم می‌فرماید: «پس مرا به بیت المعمور بالا بردند، آنگاه از جبرئیل [دربارهٔ آن] پرسیدم؛ گفت: این بیت المعمور است و در آن هر روز هفتاد هزار مَلَک نماز می‌گزارند، و چون از آنجا خارج شوند دیگر به آن باز نمی‌گردند» به روایت بخاری (فتح الباری: ۳۲۰۷).

و از عبدالله روایت است که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «آن روز دوزخ آورده می‌شود در حالی که هفتاد هزار افسار دارد و با هر افسار هفتاد هزار ملائکه هستند که آن را می‌کشانند» به روایت مسلم (۲۸۴۲).

نام‌های آنان:

ملائکه نام‌هایی دارند اما ما از نام‌هایشان جز اندکی نمی‌دانیم، پس هر آن یک که از او نام برده شده ایمان به آن به تفصیل واجب است و در غیر این صورت ایمان مجمل به او واجب است زیرا در عموم ایمان به ملائکه قرار می‌گیرد. از جملهٔ نام‌های ملائکه:

۱، ۲ـ جبرئیل و میکائیل:

مَن كَانَ عَدُوًّا لِّلّهِ وَمَلآئِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللّهَ عَدُوٌّ لِّلْكَافِرِينَ [بقره: ۹۸]

(هرکه دشمن الله و ملائکهٔ او و فرستادگانش و جبرئیل و میکائیل است [بداند که] الله دشمن کافران است).

۳ـ اسرافیل:

از ابوسلمه بن عبدالرحمن بن عوف روایت است که گفت: از ام المؤمنین عایشه پرسیدم که ایشان نمازشان را هنگامی که برای نماز شب برمی‌خاستند چگونه آغاز می‌کردند؟ فرمود: «ایشان هرگاه شب [برای نماز] برمی‌خاست نمازش را چنین آغاز می‌کرد: اللَّهُمَّ رَبَّ جَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ اهْدِنِي لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ به روایت مسلم (۲۷۰). معنای دعا: «ای الله، ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، ای آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین، ای دانای نهان و آشکار، تو میان بندگان در آنچه درباره‌اش اختلاف کرده‌اند داوری خواهی کرد، مرا به اذن خودت دربارهٔ حقی که در مورد آن دچار اختلاف شده‌اند هدایت کن، همانا تو هر که را بخواهی به راه مستقیم هدایت می‌کنی».

۴- مالک:

او نگهبان دوزخ است. الله تعالی می‌فرماید:

وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ... [زخرف: ۷۷]

(و گفتند: ای مالک [بگو] پروردگارت جان ما را بستاند...).

۵، ۶- منکر و نکیر:

از ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ روایت است که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «چون میت دفن می‌شود ـ یا اینکه فرمود: چون یکی از شما دفن می‌شود ـ دو مَلَک سیاه با چشمان کبود نزد وی حاضر می‌شوند که به یکی از آنها منکر و به دیگری نکیر گفته می‌شود؛ این دو ملک می‌گویند: در مورد این مرد چه می‌گویی؟ میت می‌گوید: آنچه هنگام زنده بودن می‌گفتم؛ او بندهٔ الله و رسولش است؛ گواهی می‌دهد که معبود برحقی جز الله نیست و محمد بنده و فرستادهٔ اوست؛ آنگاه دو ملک می‌گویند: ما می‌دانستیم که تو همین سخنان را می‌گویی؛ سپس برای او قبرش به اندازهٔ هفتاد در هفتاد ذراع وسعت می‌یابد و نورانی می‌گردد؛ آنگاه به وی گفته می‌شود: بخواب؛ میت می‌گوید: بازگردم و به خانواده‌ام در این مورد خبر بدهم؟ دو ملک می‌گویند: مانند عروسی که می‌خوابد و محبوب‌ترین فرد خانواده‌اش او را از خواب بیدار می‌کند، بخواب. تا اینکه الله متعال او را دوباره زنده گرداند. اما اگر میت منافق باشد، در پاسخ [این دو ملک] می‌گوید: می‌شنیدم مردم چیزهایی می‌گفتند، من هم همان سخنان را تکرار می‌کردم. نمی‌دانم؛ آنگاه دو ملک می‌گویند: ما می‌دانستیم که پاسخ تو همین خواهد بود؛ پس به زمین گفته می‌شود: او را در خود بفشار؛ و زمین او را در خود می‌فشارد تا جایی که دنده‌هایش در هم فرو می‌رود؛ و همواره در عذاب است تا اینکه الله متعال او را دوباره زنده می‌گرداند» به روایت ترمذی (۱۰۷۱) و ابوعیسی ترمذی می‌گوید: حدیثی حسن غریب است و آلبانی در «صحیح الجامع» (۷۲۴) آن را حسن دانسته است.

۷، ۸ـ هاروت و ماروت:

الله تعالی می‌فرماید:

وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ [بقره: ۱۰۲]

(و [نیز از] آنچه بر آن دو ملائکه، هاروت و ماروت در بابل فرو فرستاده شده).

و ملائکه‌ای دیگر به جز آنان:

وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ [مدثر: ۳۱]

(و [شمارهٔ] سپاهیان پروردگارت را جز او نمی‌داند و این جز اندرزی برای بشر نیست).

توانایی‌های ملائکه

ملائکه توانایی‌های بسیاری دارند که الله به آنها بخشید، از جمله:

توانایی آنان در تغییر شکل:

الله این توانایی را به ملائکه بخشیده که شکل خود را تغییر دهند. مثلا الله متعال جبرئیل را در ظاهر بشری به نزد مریم فرستاد. حق تعالی می‌فرماید:

فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا [مریم: ۱۷]

(پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به [شکل] بشری خوش اندام بر او نمایان شد).

ملائکه همچنین در ظاهر بشری به نزد ابراهیم رفتند و او ندانست که آنان از ملائکه هستند تا آنکه خودشان به او گفتند، و همینطور در ظاهر جوانانی زیبارو به نزد لوط رفتند و جبرئیل با چهره‌های متعدد به نزد پیامبر می‌رفت، گاه به شکل دحیهٔ کلبی که صحابی‌ای زیبارو بود، و گاه در ظاهر یک اعرابی و صحابه ایشان را در ظاهر بشری‌اش دیدند، چنانکه در صحیحین از عمر بن الخطاب ـ رضی الله عنه ـ روایت شده که فرمود: «یکی از روزها در حالی که ما نزد رسول الله ـ صلی الله علیه و سلم ـ نشسته بودیم، ناگهان مردی با لباس بسیار سفید، و موهای بسیار سیاه بر ما وارد شد، اما نشانه‌های سفر بر روی او دیده نمی‌شد، و هیچکدام از ما او را نمی‌شناخت، تا اینکه پیش پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ نشست، به طوری که زانوهایش را به زانوهای ایشان چسباند، و دو دستش را روی دو رانش گذاشت، و گفت: ای محمد من را از اسلام با خبر کن...» تا آخر حدیث. به روایت مسلم (۸).

و دیگر احادیث پرشماری که دال بر تغییر شکل ملائکه در ظاهر انسان است، مانند حدیث آن مرد که صد شخص را کشت و در آن آمده که: «پس ملائکه‌ای در شکل آدمی به نزد آنان آمد» و حدیث آن سه تن که یکی دچار پیسی بود و دیگری کچل بود و دیگری نابینا.

سرعت ملائکه

بالاترین سرعتی که بشر امروزه می‌شناسد سرعت نور است اما سرعت ملائکه بسیار بیشتر از این است، زیرا شخص هنوز سوالش را به پایان نبرده بود که جبرئیل پاسخ را از سوی پروردگار می‌آورد.

وظایف ملائکه

ـ برخی از ملائکه موکل به آوردن وحی از سوی الله برای پیامبر هستند که این مسئولیت روح الامین، جبرئیل ـ علیه السلام ـ

است. الله تعالی می‌فرماید:

قُلْ مَن كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللّهِ [بقره: ۹۷]

(بگو کسی که دشمن جبرئیل است [در حقیقت دشمن الله است] چرا که او به فرمان الله آن را بر دل تو نازل کرده است)،

و می‌فرماید:

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ [شعراء: ۱۹۳ـ۱۹۴]

(روح الامین آن را بر دلت نازل کرد * تا از [جملهٔ] هشدار دهندگان باشی).

ـ و برخی موکل به باران و توزیع آن بر هر جایی هستند که الله بخواهد و این وظیفهٔ میکائیل ـ علیه السلام ـ است و او همکارانی دارد که هر آنچه او از اوامر پروردگار را به آنان دستور دهد انجام می‌دهند و بادها و ابرها را چنانکه الله عزوجل بخواهد تصریف می‌نمایند.

ـ و یکی از آنان نیز موکل به صور است که او اسرافیل است (صور چیزی شبیه به شیپور است که اسرافیل هنگام قیام قیامت در آن می‌دمد).

ـ و یزخس از آنان موکل به گرفتن جان‌ها هستند یعنی ملک الموت و همکاران او. الله تعالی می‌فرماید:

قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ [سجده: ۱۱]

(بگو مَلَک الموت که بر شما گمارده شده جانتان را می‌ستاند آنگاه به سوی پروردگارتان باز گردانیده می‌شوید).

اما در هیچ حدیث صحیحی نام «عزرائیل» برای ایشان نیامده است.

ـ برخی از این ملائکه موکل به محافظت از بنده در اقامت و در سفر و در حال بیداری و خواب و همهٔ احوال اویند و آنها همان «مُعَقِبات» هستند که الله درباره‌شان فرموده است:

سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ * لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ [رعد: ۱۰ـ۱۱]

([برای او] یکسان است کسی از شما سخن [خود] را نهان کند و کسی که آن را فاش گرداند و کسی که خویشتن را به شب

پنهان دارد و در روز آشکارا حرکت کند * برای او ملائکه‌ای است که پی در پی او را در فرمان الله از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می‌کنند. در حقیقت الله حال قومی را تغییر نمی‌هد تا آنان حال خود را تغییر دهند و چون الله برای قومی آسیبی بخواهد هیچ برگشتی برای آن نیست و غیر او حمایتگری برای آنان نخواهد بود).

ـ برخی دیگر موکل به حفظ اعمال خیر و شر بنده و ثبت آن هستند و آنان کرام الکتابین هستند که این سخنان حق تعالی آنها را شامل می‌شود:

وَيُرْسِلُ عَلَيْكُم حَفَظَةً [انعام: ۶۱]

(و نگهبانانی بر شما می‌فرستد)،

و این سخن الله متعال:

أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُم بَلَى وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ [زخرف: ۸۹]

(آیا می‌پندارند که ما راز آنها و نجوایشان را نمی‌شنویم؟ چرا و ملائکهٔ ما پیش آنان [حاضرند و] ثبت می‌کنند)،

و این قول او عزوجل:

إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنْ الْيَمِينِ وَعَنْ الشِّمَالِ قَعِيدٌ * مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيد [ق: ۱۷ـ۱۸]

(آنگاه که دو [ملک] دریافت کننده از راست و از چپ مراقب نشسته‌اند)،

و آنجا که می‌فرماید:

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ * كِرَامًا كَاتِبِين [انفطار: ۱۰ـ۱۱]

(و قطعا بر شما نگهبانانی [گماشته شده] اند * [ملائکه] بزرگواری که نویسندگان [اعمال شما] هستند).

ـ و از جملهٔ آنان ملائکهٔ موکل به فتنهٔ قبر هستند، یعنی منکر و نکیر. از ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ روایت است که گفت: رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «چون میت دفن می‌شود ـ یا اینکه فرمود: چون یکی از شما دفن می‌شود ـ دو مَلَک سیاه با چشمان کبود نزد وی حاضر می‌شوند که به یکی از آنها منکر و به دیگری نکیر گفته می‌شود؛ این دو ملک می‌گویند: در مورد این مرد چه می‌گویی؟...» تا پایان حدیث که پیش‌تر گذشت.

ـ و از جملهٔ آنان نگهبانان بهشت هستند. حق تعالی می‌فرماید:

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ [زمر: ۷۳]

(و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند تا چون بدان رسند و درهای آن گشوده گردد و نگهبانان آن به ایشان گویند: سلام بر شما، خوش آمدید، در آن جاودانه درآیید).

و از جملهٔ آنان، نگهبانان دوزخ هستند که به آنان «زبانیه» گفته می‌شود و سرانشان نوزده تن هستند که در راس آنان «مالک» علیه السلام قرار دارد. الله تعالی می‌فرماید:

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنْذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَى وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ [زمر: ۷۱]

(و کسانی که کافر شده‌اند گروه گروه به سوی دوزخ رانده شوند تا چون بدان رسند درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگهبانانش به آنان گویند مگر فرستادگانی از خودتان به سوی شما نیامدند که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند و به دیدار چنین روزی شما را هشدار دهند؟ گویند: چرا ولی فرمان عذاب بر کافران واجب آمد)،

و می‌فرماید:

فَلْيَدْعُ نَادِيَه * سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ [علق: ۱۷ـ۱۸]

([بگو تا] گروه خود را بخواند * به زودی زبانیه را فرا خوانیم)،

و می‌فرماید:

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ * لا تُبْقِي وَلا تَذَرُ * لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ * عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ * وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلا مَلائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا [مدثر: ۲۷ـ۳۱]

(و تو چه دانی که آن سقر چیست؟ * نه باقی می‌گذارد و نه رها می‌کند * پوست‌ها را سیاه می‌گرداند * بر آن نوزده [نگهبان] است * و ما موکلان آتش را جز ملائکه قرار ندادیم، و شمارهٔ آنها را جز آزمایشی برای کسانی که کافر شده‌اند قرار ندادیم تا اهل کتاب یقین حاصل کنند و ایمان کسانی که ایمان آورده‌اند افزون گردد)،

و حق تعالی می‌فرماید:

وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُم مَّاكِثُونَ [زخرف: ۷۷]

(و گفتند: ای مالک [بگو] پروردگارت جان ما را بگیرد؛ پاسخ دهد: شما ماندگارید).

ـ و از آنان برخی موکل به قرار دادن نطفه در رحم هستند، چنانکه در حدیث ابن مسعود ـ رضی الله عنه ـ آمده که فرمود: رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ که راستگوی تایید شده است به ما چنین حدیث گفت که: «در حقیقت، خلقت یکی از شما در شکم مادرش چنین انجام می‌گیرد: چهل روز به حالت نطفه است، پس از آن، به قدر همان زمان و مدت [یعنی چهل روز طول می‌کشد که] به پاره خونی تبدیل می‌شود، سپس به اندازه همان مدت و زمان به پاره گوشتی تبدیل می‌شود، سپس [الله تعالی] به سوی او مَلَکی را می‌فرستد تا روح در آن بدمد و آن ملائکه به نوشتن چهار کلمه مامور است: روزیَش، مدت عمرش، کردار و رفتارش، و اینکه بدبخت یا نیکبخت است. پس سوگند به الله که هیچ معبود به حقی جز او نیست، همانا یکی از شما به کردار و رفتار اهل بهشت می‌پردازد تا آنکه میان او و رسیدن به بهشت، فاصله‌ای نمی‌ماند مگر یک ذرع. در آن هنگام، سرنوشت و فرجام کردارش بر او پیشی می‌گیرد و به عمل مردم دوزخی می‌پردازد و به دوزخ درمی‌آید، و همانا یکی از شما به کردار و رفتار اهل دوزخ می‌پردازد تا آنکه میان او و رسیدن به دوزخ، فاصله‌ای نمی‌ماند مگر یک ذرع. در آن هنگام، سرنوشت بر او پیشی می‌گیرد و به کردار بهشتیان می‌پردازد و به بهشت وارد می‌شود» به روایت بخاری (۳۲۰۸) و مسلم (۲۶۴۳).

ـ و از جملهٔ آنان، حاملان عرش هستند که حق تعالی درباره‌شان می‌فرماید:

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ [غافر: ۷]

(کسانی که عرش را حمل می‌کنند و آنها که پیرامون آنند به سپاس پروردگارشان تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده‌اند آمرزش می‌خواهند، پروردگارا رحمت و علم [تو بر] هر چیز احاطه دارد، کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده‌اند ببخش و آنها را از عذاب آتش نگاه دار).

ـ و از آنها ملائکه‌ای هستند که در زمین سیاحت می‌کنند و در جستجوی مجالس ذکر هستند. از ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: همانا الله ملائکه‌ای دارد که در راه‌ها در پی اهل ذکر می‌گردند پس چون قومی را بیابند که یاد الله می‌کنند یکدیگر را صدا می‌زنند که به آنچه برایش آمده‌اید بشتابید، پس آنان را تا آسمان با بال‌های خود در برمی‌گیرند، پس پروردگارشان که از آنان داناتر است می‌پرسد که بندگانم چه می‌گویند؟ می‌گویند: تو را تسبیح و تکبیر می‌گویند و به بزرگی یاد می‌کنند و ستایش می‌کنند. می‌فرماید: آیا مرا دیده‌اند؟ می‌گویند نه به الله سوگند، تو را ندیده‌اند. می‌فرماید: چگونه خواهد شد اگر مرا ببینند؟ می‌گویند: اگر تو را می‌دیدند بیشتر تو را عبادت می‌کردند و بیشتر تمجید و تحمید و تسبیح تو را می‌گفتند. می‌فرماید: از من چه می‌خواهند؟ می‌گویند: از تو بهشت را می‌خواهند. می‌فرماید: آیا آن را دیده‌اند؟ می‌گویند: نه به الله سوگند پروردگارا، آن را ندیده‌اند. می‌فرماید: پس چگونه می‌شد اگر آن را می‌دیدند؟

می‌گویند: اگر آن را می‌دیدند شدیدتر به آن حریص می‌شدند و خواهانش می‌شدند و بدان راغب می‌گشتند. می‌فرماید: از چه چیز پناه می‌جویند؟ می‌گویند: از دوزخ پناه می‌خواهند. می‌فرماید: آیا آن را دیده‌اند؟ می‌گویند: نه به الله سوگند ای پروردگار ما، آن را ندیده‌اند. می‌فرماید: چه می‌شد اگر آن را می‌دیدند؟ می‌گویند: اگر آن را می‌دیدند سخت‌تر از آن می‌گریختند و از آن می‌ترسیدند. می‌فرماید: من شما را شاهد می‌گیرم که آنان را آمرزیدم. یکی از ملائکه می‌گوید: در میان آنان فلانی است که از آنان نیست بلکه برای حاجتی به نزد آنان آمده. می‌فرماید: آنان همان همنشینان [صالح] هستند که هم‌نشین آنان به سبب‌شان نگون بخت نمی‌شود [و از هم‌نشینی با آنان زیان نمی‌بیند]» به روایت بخاری (فتح الباری: ۶۴۰۸).

- و برخی از آنان موکل به امر کوه‌ها هستند. از عایشه - رضی الله عنه - روایت است که به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گفتند: «سختی‌های فراوانی از قومِ تو دیده‌ام. سخت‌ترینش روز عقبه بود؛ آنگاه که خود را به «عبد یالیل بن کُلال» عرضه کردم و او خواسته‌ام را نپذیرفت. لذا غمگین شدم و به رویِ خود رفتم و تا «قرن الثعالب» به خود نیامدم. آنجا سَرَم را بالا گرفتم؛ ابری دیدم که بر من سایه افکنده بود و چون به آن نگاه کردم، جبریل ـ علیه السلام ـ را در آن دیدم. مرا ندا داد و گفت: الله متعال سخنِ قومت و پاسخی را که به تو دادند، شنید. اینک مَلَک کوه‌ها را نزدت فرستاده است تا هرچه می خواهی دربارۀ آنها به او دستور دهی. سپس مَلَک کوه‌ها مرا ندا داد، به من سلام کرد و گفت: ای محمد، الله سخنِ قومت و پاسخی را که به تو دادند، شنید. اینک مرا نزدت فرستاده است تا هرچه می‌خواهی دربارۀ آنها به من دستور دهی؛ چه می‌خواهی؟ اگر بخواهی دو کوه را بر سرِ ایشان فرود می‌آورم» پس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «بلکه امیدوارم الله از پشت آنان کسانی را خارج سازد که الله را به یگانگی و بدون آنکه چیزی را به او شریک سازند عبادت کنند». به روایت بخاری (فتح الباری: ۳۲۳۱).

- و از جملۀ آنان، زائران بیت المعمور هستند که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در حدیث طولانی اسراء و معراج دربارۀ آنان می‌فرماید: «پس مرا به بیت المعمور بالا بردند، آنگاه از جبرئیل [دربارۀ آن] پرسیدم؛ گفت: این بیت المعمور است و در آن هر روز هفتاد هزار مَلَک نماز می‌گزارند، و چون از آنجا خارج شوند دیگر به آن باز نمی‌گردند».

- و از آنها ملائکه‌ای هستند که همواره در صف هستند و دچار فتور نمی‌شوند و ایستاده‌اند و نمی‌نشینند و ملائکه‌ای که در حال رکوع و سجود هستند و سر بر نمی‌آورند، چنانکه از ابوذر - رضی الله عنه - روایت شده که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «من چیزهایی می‌بینم که شما نمی‌بینید. آسمان به صدا درآمده و حق دارد که [از سنگینی] صدا کند؛ زیرا حتی جایی به اندازۀ چهار انگشت هم در آن وجود ندارد مگر اینکه مَلَکی پیشانی‌اش را بر آنجا نهاده و برای الله متعال به سجده رفته است. به الله سوگند، اگر آنچه من می‌دانم شما می‌دانستید، کم می‌خندیدید و زیاد گریه می‌کردید و در بسترها از زنان‌تان لذت نمی‌بردید و سر به کوچه و بیابان می‌گذاشتید و به پیشگاه الله متعال لابه و زاری می‌کردید و از او کمک می‌خواستید» سنن ترمذی (۲۳۱۲).

این خلاصه‌ای بود دربارۀ ملائکۀ گرامی الله. از الله خواهانیم که ما را از مُؤمنان به آنان و دوستاران‌شان قرار دهد، و درود

الله بر پیامبر ما محمد باد.

برای اطلاع بیشتر، پاسخ‌های (14610) و (9477) را در سایت ما بخوانید.